

توحید در دیوان بارودی

اثر: دکتر محسن پیشوایی

عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

(از ص ۱۱۹ تا ۱۳۸)

چکیده:

محمود سامی البارودی یکی از پیشروان نهضت جدید در شعر عربی است. او از جمله کسانی است که شعر کلاسیک را احیا کرد و به آن قوت و حیات تازه بخشید و وظیفه شعر را در برابر زمان و جامعه به خوبی فهمید. از این رو باب موضوعات اجتماعی از جمله عدالت، مساوات و شوری را در شعر گشود، و در این ابتکار راهگشای شاعرانی چون حافظ ابراهیم و أحمد شوقی و دیگران گردید. زندگی و اشعار بارودی نشانگر حسن ایمان و اخلاص اوست. در اندیشه او نهضت واقعی در ابعاد گوناگون آن به ویژه در ادبیات تنها در سایه دین امکان پذیر است. لذا در دیوانش کمتر قصیده‌ای است که در آن اشارات مختلفی به دین و مفاهیم آن نباشد. او معلم قرآن بود و آنچه را که از این کتاب مقدس آموخته بود در اشعارش به خوبی به تصویر کشده است. خصوصاً در آنجا که به اقتضای حال به ستایش از خداوند و یا بیان صفات او پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: توحید، قرآن کریم، صفات و اسماء حسنا، خداوند،

بارودی.

مقدمه:

شخصیت فکری و دینداری بارودی در محیط خانوادگی او شکل گرفت. زیرا خانواده و نزدیکانش بر اساس سنت دیرینه خانوادگی با دعوت از معلمین قرآن کریم برای تعلیم و تربیت بارودی در امر رشد فکری و آشنائی او با مفاهیم و اندیشه قرآنی بسیار مؤثر بودند، و این تعالیم تنها میراثی بود که بارودی از خانواده و نزدیکانش به ارث برد. اثرات این میراث در مراحل مختلف زندگی او، و در گرایشهای فکری و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی او کاملاً مشهود است. زمانی که او در کسوت نظامی گری بود همدوش با انقلابیون علیه بیگانگان جنگید، و هنگامی که به بزرگانی چون سید جمال الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده پیوست همسو با آنان برای نجات مردم مصر و مقابله با اشاعه فرهنگ غربی و ارزشهای ضداسلامی مبارزه کرد. (عمر الدسوقی، نوابغ الفكر العربی، دارالمعارف، مصر، سنة ۱۹۳۰، ص ۵۳) و وقتی که مدیریت اوقاف مصر به او واگذار شد، قوانین آنرا بر اساس تعالیم اسلام سر و سامان داد و بارشوه خواری به شدت مبارزه کرد، و به ترمیم مساجد قدیمی و بنای مساجد جدید اهتمام ورزید. او علاوه بر آنکه خطیب مساجد بود، در بسیاری اوقات امام جماعت نمازگزاران را بر عهده داشت (شوقی ضیف، البارودی رائد الشعر الحدیث، دارالمعارف، مصر، سنة ۱۹۶۴، ص ۹۴) و چون به جزیره سیلان تبعید گردید با اینکه در شرایط سختی زندگی می کرد، در آنجا به تعلیم قرآن کریم و آموزش دستوره های دینی در میان اهالی آن پرداخت (کامل محمد محمد عبیصه، محمود سامی البارودی امام الشعراء فی العصر الحدیث، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۴، ص ۱۲۱). در تمام این موارد او همانند یک مصلح عمل می کرد. و همین مسئله کافی بود که حاکمان وقت او را تحمل نکنند. از این رو درباره علت تبعید شدنش می گوید من کاری نکردم جز اینکه توفیق پاشا را به اجرای عدالت و مبارزه با فساد و استعمار خارجی و اخلاص در دین خدا و برقراری شورا فراخواندم و در این کارها تنها رضایت و خشنودی خدا را جستجو می کردم:

و لَكِنِّي نَادِيْتُ بِالْعَدْلِ طَالِباً
أَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْكَرْتُ
وَإِنْ كَانَ عَصِياناً قِيَامِي فَإِنِّي
و هل دعوة الشورى على غضاضة
رضى الله واستنهضت أهل الحقائق
مُنْكَرًا وَ ذَلِكَ حُكْمٌ فِي رِقَابِ الْخَلَائِقِ
أَرَدْتُ بِعَصِيَانِي إِطَاعَةَ خَالِقِي
و فيها لمن يبغي الهدى كل فارق
(ديوان بارودی، ج ۲، ص ۳۵۹)

و از همین جا پیداست که بارودی در دین ریا و نفاق نمی‌ورزد، و آنرا اساس حکومت می‌داند، و از سخنان او چنین فهمیده می‌شود که جدائی دین از سیاست را نمی‌پذیرد، و معتقد است که در این دیدگاه به خطا نرفته است. و اگر دیگران در این کار بر او عیب گیرند و به خاطر آن او را از وطنش تبعید کنند صبر پیشه می‌کند و تنها بر خدا توکل می‌کند زیرا او برایش کافی است:

فَهَلْ دَفَاعِي عَنْ دِينِي وَ عَنْ وَطَنِي
فَلَا يَظُنُّ بِي الْحَسَادُ مَندَمَةً
ذَنْبٌ أَدَانُ بِهِ ظُلْمًا وَ اغْتَرَبْتُ؟
فإِنِّي صَابِرٌ فِي اللَّهِ مُحْتَسِبٌ

(همان، ج ۱، ص ۶۵)

و با وجود اینکه سختی‌های زیادی را در راه دفاع از دین و ارزش‌های آن متحمل می‌شود، باز به دین خود افتخار می‌کند و می‌گوید:

دیني الحنيف و ربي الله
و شهادتي أن ليس إلا هو

(همان، ج ۴، ص ۱۸۱)

بدین جهت تعصب در دفاع از دین و پای‌بندی به مفاهیم و ارزش‌های آن در دیوان بارودی قابل توجه است. او در اشعارش جهت‌گیری فکری خود را در مسائل عقیدتی با الگوپذیری از آیات قرآنی به خوبی بیان کرده است. از این رو در برخی موارد وقتی که از ارزش‌های الهی سخن می‌گوید الفاظ قرآنی را نصاً و روحاً تکرار می‌کند. چنانکه با الهام‌پذیری از آیه اول سوره حج که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» چنین سروده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ
وَاحْشَوْا عَذَابَ اللَّهِ وَ الْآخِرَةَ

(همان، ج ۲، ص ۱۲۴)

و در زهدیات و تأملات در آفاق و انفس نیز وقتی که به تقوا می پردازد با تأثیرپذیری از قرآن کریم چنین می گوید که اگر انسان از زندگی طولانی برخوردار باشد باز سرانجام او مرگ است و تنها چیزی که در دارفانی برای او باقی می ماند تقوا است و بس:

إِنَّمَا الدُّنْيَا خِيَالٌ
لَيْسَ لِلنَّاسِ فِيهَا
بِاطِلٌ سِوَفَ يَفُوتُ
غَيْرُ تَقْوَى اللَّهِ قُوْتُ

(همان، ج ۱، ص ۹۷)

اینگونه تأثیرپذیری از قرآن کریم، چه در باب اعتقادات، از جمله خدا، غیب و مظاهر آن، و حکمت آفرینش، و همچنین اقرار به نبوت و خضوع در برابر کمالات رسول خدا(ص) و توسل جستن به او در مراحل مختلف زندگی، و باور به جهان آخرت و ذکر سرنوشت انسانهای صالح و گناهکار در بهشت و جهنم، و چه در باب ارزش های اخلاقی همانند صبر، اخلاص، عدالت، صداقت و توکل و نیز ارزش های ضد اخلاقی چون کبر، غرور، بخل، حرص، اسراف، کذب و غیبت در دیوان بارودی بسیار به چشم می خورد. علاوه بر اینها استناد به قصه های قرآنی و بهره گیری از اندرزهای آن در اشعار او قابل توجه است. همه این مطالب گویای ارتباط نزدیک بارودی با قرآن کریم و الهام پذیری از آن در بیان افکار و اندیشه هاست.

و اما دیدگاه بارودی نسبت به شعر قابل توجه است. او شعر را موهبتی می داند که اگر خداوند بهره ای از آنرا به کسی عطا کند، و او به خلق و خوی پسندیده آراسته و از طهارت نفس برخوردار باشد، می تواند دلها را تسخیر کند و زمام آنها را به چنگ آورد و محبوب دیگران گردد. در نظر او شعر یک رسالت مهم و یک وظیفه خطیر

دارد، و آن تهذیب نفوس و رشد فهمها و یادآوری دلها به مکارم اخلاقی است. (مقدمه دیوان، ص ۳). چنانکه در همین راستا شعر را دیوان اخلاق می‌داند که به وسیله آن خطوط فکری بیان می‌شود و اندیشه‌ها بروز می‌کند:

والشعرُ دیوانُ أخلاقٍ یلوحُ بهِ ما خَطَّهُ الفکرُ منْ بحثٍ و تَنْقیرِ

(همان، ج ۲، ص ۱۳۷)

از این رو او شعرش را به مسائل ضد اخلاقی نیالوده است و اگر قصائدی را در حب و خمر سروده است، این قبیل سروده‌ها در بیشتر جنبه‌ها از باب تفنن و از آثار معارضه با قدما است. (مقدمه دیوان، به قلم محمدحسین میکل، ص ۱۸) متانت و طهارت نفس او مانع سرکشی و طغیان عواطف کاذب است به همین دلیل برای دفع برخی توهمات می‌گوید عشق او، عشق عذری (پاک و بی‌آلایش) است و آلوده به محارم نیست:

فإنی عَفِيفُ الهوی وَ مَا کُلُّ صَبِّ یَعِيفُ

(دیوان، ج ۲، ص ۲۷۵)

و همین مسأله را در جای دیگر چنین بیان می‌کند که او در حب به راه خطا نرفته و در اظهار آن به گونه‌ای عمل نکرده است که از شأن او بکاهد و یا موجب نکوهش و سرزنش او گردد:

ألا أُنسِیَ لم آتِ فی الحبِّ زلَّةٌ تغضُّ بذکری فی المحافلِ أو تَزُری

(همان، ج ۲، ص ۱۳)

در دیوان بارودی اقتباس و تضمین از آیات قرآن کریم و الهام از زیبایی‌های آن فراوان است چه در آنجا که او مظاهر طبیعت را توصیف می‌کند، و چه آنجا که به مدح یا رثاء و یا هجو می‌پردازد، و یا آنجا که در زهد و حکمت و سیاست می‌گوید. او در بهره‌گیری از مفاهیم قرآن کریم و انتقال آن به فضای شعر مهارت ویژه‌ای دارد، و یافته‌های خود را از کلام خدا به خوبی به تصویر می‌کشد. در این مقال محتوای

دیوان بارودی را از منظر آن دسته از آیات قرآن کریم مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم که در آنها به توصیف خداوند اشاره رفته است، و بارودی با علم به آن آیات خداوند را ستایش، و در اشعارش از برخی از اسماء و صفات او استعانت جسته است.

یگانه:

خداوند یگانه است و هیچ شریکی ندارد. این حقیقت در قرآن کریم بارها به اشکال گوناگون تأکید شده است. مانند این آیه شریفه: «لَا شَرِيكَ لَهٗ» (انعام: ۱۶۳)، و این آیه: «وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ» (مائده: ۷۳)، و یا این آیه: «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (انعام: ۱۰۲). بارودی یگانگی خداوند و معانی ربوبیت و جلال و عظمت بی‌مانند و قدرت مطلق او را چنین به تصویر آورده است:

لَقَدْ تَفَرَّدَ فِي لَاهُوتِ قَدْرَتِهِ فَمَالَهُ أَبَدًا فِي مُلْكِهِ ثَانِي

(دیوان، ج ۴ ص ۱۵۱)

و در بیت زیر ضمن اینکه او به مسلمانی خود و دین اسلام - که دین هدایت و صراط مستقیم است - افتخار می‌کند، معنای مأخوذ از آیات بالا را در یگانگی خداوند همراه با اقرار یقینی خود چنین اقتباس می‌کند:

دِينِي الْحَنِيفُ، وَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ شَهَادَتِي أَنْ لَيْسَ إِلَّا هُوَ

(همان، ج ۴، ص ۱۸۱)

خالق:

مظاهر هستی، از کوچکترین تا بزرگترین، و از آفریده‌های محسوس تا آفریده‌های نامحسوس آن، همه و همه نشانه‌هایی از وجود آفریدگار حکیم و فرزانه است. او هرآنچه را اراده کند می‌آفریند: «قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ» (آل عمران: ۴۷۰). بارودی در بیت زیر با توصیف مظاهر خلقت و تضمین آیه فوق چنین می‌گوید:

صُورٌ تَدُلُّ عَلَى حَكِيمٍ صَانِعٍ وَاللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَبْرَأُ

(همان، ج ۱، ص ۲۶)

ضمن اینکه او در مصرع اول به صفت حکمت در خداوند اشاره کرده است. خداوند خالق و پروردگار انسان است. چنانکه میفرماید: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ» (صافات: ۹۶). و نیز این قول او: «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ» (ملک: ۲۳). او انسان را از کتم عدم بیرون آورد و به او نعمت وجود بخشید، و اسباب معیشت و حیات را برای او فراهم آورد، و او را تربیت فرمود. تسلیم خویشتن به خداوند و سپردن امور به دست او نشانه تقوی و ایمان و روشن دلی است. قرآن کریم از زبان مؤمن آل فرعون چنین حکایت می‌کند: «وَ أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (غافر: ۴۴) در بیت زیر بارودی با اشاره به واگذار کردن سررشته زندگی به دست خداوند صفت خالقیت را در او چنین به تصویر می‌کشد:

سَلَّمَ أَمْرَكَ لِلذِّي أَنْشَأَكَ مِنْ عَدَمٍ وَ عَالِكَ

(دیوان، ج ۳، ص ۲۵۶)

مُدَّبِر:

یکی از صفات خداوند مدبر است. چنانکه میفرماید: «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (یونس: ۳). او امور مخلوقات را بر اساس آنچه که حکمت و علمش اقتضاء کند انجام می‌دهد. مرگ و زندگی، عزت و ذلت، فقر و غناء، همه و همه به دست اوست. بنابراین تحقق امور عالم و عدم تحقق آن در هر شرایطی به دست خداست، و او هر آنچه را بخواهد و حکمتش اقتضا کند انجام می‌دهد. چنانکه میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج: ۱۸) بارودی با الهام از این آیه شریفه و تضمین نص صریح آن می‌گوید آرزوهای دور و دراز دست نیافتنی است، و انسان تنها چیزی را بدست می‌آورد که حکم خدا بر آن جاری شود و مشیت او به آن تعلق بگیرد. بنابراین آرزوها همیشه جامه ظهور به خود نمی‌پوشند، مگر آن آرزویی که خداوند پیدایش آن را بخواهد و

یا راه رسیدن به آن را نشان دهد:

و لا تُطِلْ فِكْرَةَ التَّمَنِّي
و يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ

(همان، ج ۱، ص ۲۴)

فَعَال:

خداوند صاحب قدرت مطلق است، هرچه را بخواهد انجام می دهد، و هیچ شیئی نمی تواند مانع اراده او شود. و آنچه که او با عظمت و حکمت و استیلاء خود انجام می دهد، درباره آن از او سؤال و بازخواست نخواهد شد و هرگاه بخواهد ستمگران سرکش را هلاک کند و مؤمنین صادق را یاری نماید، این کار را انجام می دهد، بدون آنکه چیزی در آسمان یا زمین مانع تحقق اراده او شود و یا او را از این کار باز دارد. بارودی با ذکر این صفت خداوند از او چنان آرزوئی دارد که به وی عمر همیشگی دهد تا همواره به مدح و ستایش بهترین مردم، یعنی پیامبر (ص) مشغول باشد:

و هل أرانى رفیقَ حَادٍ
يَمْدُحُ خِيَارَ الْأَنَامِ يَحْدُو
عَسَى إِلَهِي يَفُكُّ أَسْرِي
فَهُوَ فَعَالٌ لِمَا يَوَدُّ

(همان، ج ۱، ص ۲۱۶)

او در مصرع دوم نص صریح آیه شریفه: «فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ» (بروج: ۱۶) را تضمین کرده است.

مَصَوِّر:

از صفات دیگر خداوند صانع و مصوِّر است، چنانکه میفرماید: «هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِيءُ الْمُصَوِّرُ» (حشر: ۲۴). او همه موجودات را از محسوس و نامحسوس، از انس و جن، و از ماده و روح را آفریده، و هر یک را به نوعی صورتگری کرده است. و

از نشانه‌های قدرت او این است که ستارگان را معلق و سیارات را سیار و گردنده آفریده است:

هو الذي جعلَ الأفلاكَ دائرةً و صَوَّرَ الخلقَ، مِنْ إنسٍ، و مِنْ جانٍ

(همان، ج ۴، ص ۱۴۹)

مُرید:

یکی از صفات فعل خداوند اراده است. او در مقام وجود و ذات به این صفت موصوف است. لذا مرید بودن را یکی از اسماء او به شمار آورده‌اند. هرآنچه که استحقاق وجود داشته باشد و اراده خداوند هم به آن تعلق بگیرد موجود می‌شود و جامعه هستی و ظهور می‌پوشد. این صفت به اعمال قدرت خداوند و توانائی او در ایجاد اشیاء تفسیر می‌شود (آیت‌الله جعفر سبحانی، محاضرات فی الالهیات، مکتبه التوحید، قم، ۱۴۲۱ ه. ق، ص ۱۱۲). او فاعل مختار است و مالک فعلی است که از او صادر می‌شود و زمام این فعل هم به دست خود اوست. خداوند در اعمال اراده خود و توانائی انجام آن مقهور نیست، و همینکه اراده نماید شیئی را بیافریند به صرف اعمال قدرت آن شیء ایجاد می‌شود، بدون آنکه تحقق آن مشروط به هیچ مقدمه‌ای باشد. لذا میفرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲). بارودی در قطعه زیر با تأثیرپذیری از این آیه شریفه به «مرید» بودن خداوند اشاره می‌کند وقتی که او از دخالت اراده و قدرت خداوند در کیفیت و چگونگی خلقت اشیاء و دخل و تصرف در برخی از مخلوقات از جمله آفریدن انسانها و شب و روز سخن می‌گوید، و سپس به تسبیح و تنزیه خداوند فاعل مختار می‌پردازد:

يا رَبِّ بَيْضَاءَ مِنَ الْجَوَارِي
جاءت بطفلٍ أسودٍ كالأقارِ
أخرجهُ مِنْ أوجهِ الأنوارِ
مَنْ أخرجَ الليلَ مِنَ النَّهارِ

سبحانه مِنْ فاعلي مُختارِ

(همان، ج ۲، ص ۹۹)

باقی:

انسانها همگی هلاک می شوند و تنها خداست که باقی می ماند. چنانکه در قرآن کریم آمده است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَ يَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (رحمان: ۲۶، ۲۷).

بارودی این آیه شریفه را چنین تفسیر کرده است:

على هذا يسيرُ الناسُ طُرّاً و يَبْقَى اللهُ خالقُ كلِّ نفسٍ

(همان، ج ۱، ص ۲۳۳)

و یا بیت زیر که در همین معناست، و او در آن به مضمون آیه ۸۸ سوره قصص:

«لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» اشاره می کند:

أرى كلَّ حيٍّ ذاهباً بيدِ الرّدى فمنَّ أحدٍ ممَّنْ ترَحَّلَ راجعُ؟

(همان، ج ۱، ص ۳۰۸)

محمود:

حمد و سپاس مخصوص خداست: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (فاتحه: ۲). و همچنین این آیه شریفه: «لَهُ الْحَمْدُ» (سبأ: ۱). او بخشنده بزرگی هاست، رنجها را می زداید و هدایت از اوست:

فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ الْعُلَا وَ سَرَى الْأَذَى عَنِّي فَأَبْصَرْتُ الْهُدَى

(همان، ج ۱، ص ۳۷)

و یا بیت زیر که بارودی در آن از حمد خدا می گوید و از شکر نعمت و احسان او:

لك الحمدُ، إِنَّ الْخَيْرَ مِنْكَ وَ أَنِّي لِصُنْعِكَ يَا رَبَّ السَّمَاوَاتِ شَاكِرٌ

(همان، ج ۲، ص ۱۲۵)

منزه:

خداوند آفریدگار هستی است. و موجودات مظهر ابتکار او و جلوه ای از قدرت و

عظمت او هستند، و همه او را تسبیح و تقدیس می‌کنند: «يُسَبِّحُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (جمعه: ۱). ولی با این حال زبان آنها از بجای آوردن حق تسبیح او عاجز است. خداوند از صفات محدثات منزّه و متصف به صفات کمال است. یگانه است و شریکی ندارد: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» (صافات: ۱۵۹). بارودی با الهام از آیات تسبیح چنین می‌گوید:

سُبْحَانَ مَنْ أْبَدَعَ فِي مُلْكِهِ
تَنْزَهُتٌ عَنْ صِفَةٍ ذَاتُهُ
حَتَّى بَدَأَ مِنْ صُنْعِهِ مَا بَدَأَ
وَقَامَ فِي لَاهُوتِهِ أَوْحَدًا

(همان، ج ۱، ص ۲۲۷)

او از هر عیب و نقصی منزّه است. چه در ذات و چه در صفات. افعال او نیز همانند ذات و صفاتش از هر عیب و نقصی بدور است، و همه افعالش در اعلیٰ مراتب کمال و جلال است. او بزرگتر از آن است که به وصف آید: «سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يُصِفُونَ» (زخرف: ۸۲). و لطیف‌تر از آن است که با حواس درک شود: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام: ۱۰۳). او باقی است و انسان و سایر مخلوقات همگی فناپذیرند: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸). بارودی در وصف خداوند این معانی را از قرآن کریم گفته و چنین سروده است:

سُبْحَانَهُ: جَلَّ عَنِّ وَصْفٍ يُحِيطُ بِهِ وَكَيْفَ يُدْرِكُ وَصْفَ الدَّائِمِ الْفَانِي؟

(همان، ج ۴، ص ۱۵۰)

خداوند کار عبث نمی‌کند و بیهوده کاری به ساحت مقدس او راه ندارد بنابراین هستی هدفمند است و خلایق نه بیهوده آفریده شده‌اند، و نه اینکه به حال خود رها هستند و انسان هم به عنوان برترین مخلوق خدا در زمین به حال خود رها نیست تا فقط از نعمتها بهره برد و استفاده کند، چنانکه می‌فرماید: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» (آل عمران: ۱۹۱)، و یا این آیه شریفه: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (قیامت:

(۳۶). بارودی این معنا را از قرآن کریم چنین اقتباس کرده است:

مَا خَلَقَ اللَّهُ الْوَرَىٰ بَاطِلًا
لِيُرْتَعُوا بَيْنَ الْبَوَادِي سُدًى

(همان، ج ۱، ص ۲۳۰)

علاوه بر اینها بارودی به برخی دیگر از صفات و اسماء حسناى خداوند توجه کرده است. صفاتی که هم اکنون به آنها اشاره می‌شود غالباً تعامل میان بنده و مولی و عابد و معبود را به تصویر می‌کشد، به گونه‌ای که انسانها در برآورده شدن حوائج و خواسته‌های خود و همچنین برای رفع مشکلات و سختی‌های زندگانی‌شان از آنها مدد می‌جویند.

هادی:

خداوند هادی بندگان است، و تنها اوست که می‌تواند بندگانش را به صراط مستقیم هدایت کند، و هدایت خواستن از غیر او گمراهی و ضلالت است. اگر او کسی را هدایت نکند هیچ کس قادر به هدایت او نخواهد بود. چنانکه در قرآن کریم آمده است: «وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (رعد: ۳۳)، و همچنین این آیه شریفه: «وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ» (اعراف: ۱۸۶). بارودی معنای این آیات را چنین اقتباس کرده است:

و لا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِ مَوْلَاكَ هَادِيًا
إِذَا اللَّهُ لَمْ يَهْدِ الْعِبَادَ فَمَنْ يَهْدِي؟

(همان، ج ۱، ص ۲۳۹)

ولی:

خداوند سرور مؤمنان و حافظ آنهاست. تدبیر امورشان در تمام مراحل زندگی به دست اوست و در گرفتاریها و مشکلات یاور آنهاست. و هیچ کس جز او سزاوار این مقام نیست. لذا می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۶۸). بارودی مفهوم این آیه شریفه را چنین تضمین کرده است:

كُنْ واثقاً باللهِ في كلِّ محنةٍ فاللهُ أولى بالعبادِ و أرفقُ

(همان، ج ۲، ص ۱۸۴)

مُجیب:

هرکس از خداوند کمک و یاری طلبد و از او هدایت بخواهد، خدا او را به این نعمت مفتخر خواهد کرد؛ زیرا او بهترین یاور و بهترین هدایت کننده است و هرکس که به خدا پناه برد و او را ندا زند، او ندایش را می شنود و چنین شخصی را مشمول الطاف خود خواهد کرد. چنانکه فرموده است: «ادْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰). بیت زیر که بارودی آنرا در رثای همسرش گفته است و از خداوند برای او مغفرت خواسته است، مصداقی از مقوله بالاست:

فَاسْتَهْدِ يَا مَحْمُودُ رَبَّكَ وَالتَّمِيسِ منه المَعْوَنَةُ، فَهُوَ نِعَمَ الهَادِي
وَاسْأَلْهُ مَغْفِرَةً لِمَنْ حَلَّ الثَّرَى بِالْأَمْسِ، فَهُوَ مُجِيبُ كُلِّ مُنَادٍ

(همان، ج ۱، ص ۲۰۱)

مُستعان:

یکی دیگر از صفات خداوند مستعان است. چنانکه میفرماید: «وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ» (یوسف: ۱۸). بارودی در یکی از تضرعات خود از خداوند می خواهد او را به حال خود وانگذارد تا او از نعمت دستیابی به راه مطلوب در زندگی محروم نباشد. زیرا عجز و ناتوانی بارودی مانع از آن است که او بتواند به این مهم نائل آید. لذا با مددجویی از صفت مستعان در خداوند و تضمین آن در شعر خود اقرار می کند که جز خداوند کسی نمی تواند در دنیا و آخرت یاور او باشد، و سختی و ترس و وحشت روز قیامت را از او دور بدارد:

و لا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي، فَإِنَّ يَدِي مَغْلُوقَةٌ، وَ صَبَاحِي غَيْرُ مُنْبَلِجِ
مَالِي سَوَاكَ، وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ إِذَا ضَاقَ الرَّحَامُ غَدَاةَ الْمَوْقِفِ الْحَرَجِ

(همان، ج ۱، ص ۱۰۴)

لطیف و رحیم:

خداوند لطیف و رحیم است. او به همه چیز آگاه و از تمام ریزه کاریها باخبر است. مصالح بندگان را می داند و از نیازهای آنها باخبر است و به مقتضای لطفش با آنها رفتار می کند. وقتی که بنده مخلص خدا باشد و خود را از زشتی ها و پلیدی ها دور بدارد، در این حال خداوند او را مورد لطف و رحمت خود قرار می دهد و گره از مشکلات او می گشاید، زیرا او تضمین کرده که مشکل پرهیزکاران را بگشاید و آنها را از جایی که خودشان هم انتظار ندارند یاری رساند، و از پیچ و خم مشکلات عبور دهد، و به افق تابناک سعادت رهنمون گرداند، و ابرهای تیره و تاریک رفتارها را از آسمان زندگی آنها برطرف سازد: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَدْرِي» (طلاق: ۲ و ۳). بارودی از زاویه لطف آیه مذکور را مورد توجه قرار داده، و با استعانت از آن مفهوم مطلب بالا را چنین گفته است:

و أخلصتُ للرحمانِ فيما نويتُهُ فعاملني باللطفِ مِنْ حَيْثُ لَا أدري
إِذَا مَا أَرَادَ اللَّهُ خَيْراً لِعَبْدِهِ هَدَاهُ بنورِ اليُسْرِ فِي ظُلْمَةِ العُسْرِ

(همان، ج ۲، ص ۱۴)

غافر الذنب:

خداوند غافر است. رحمت او بر خلائق گسترده است. عفو گناهان و خطاها به دست اوست. اگر از انسان گناهی سرزند در توبه به رویش باز است، و او هیچ کس را از رحمت و عفو خود محروم و مأیوس نمی کند. لذا میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرِكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (نساء: ۴۸)، و چنانکه میفرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (زمر: ۵۳). بارودی این معنا از صفت خدا را مورد نظر قرار داده و آنرا چنین اقتباس کرده است:

لَا يَقْنَطُ المرءُ مِنْ غفرانِ رَبِّهِ مالم يَكُنْ كافرًا بالبعثِ والقَدَرِ

(همان، ج ۲، ص ۹۲)

در آیه دیگر خداوند میفرماید: «وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ» (رعد: ۶). بارودی با توسل به این صفت خداوند به خودش امیدواری می دهد که خداوند او را از نعمت بخشش محروم نخواهد کرد و خطاهایش را خواهد بخشید:

يا نفس لا تذهبي يأساً بما كسبتُ يداك، فالله ذو منٍّ و غفران

(همان، ج ۴، ص ۱۴۸)

و باز در جای دیگر خداوند را به حق پیامبر(ص) سوگند می دهد که گناهان او را ببخشد، - هرچند که این گناهان بزرگ باشد - و او را مشمول رحمت واسع خود گرداند، رحمتی که انسان را در روز قیامت از پوزش خواستن و بهانه آوردن در قیامت بی نیاز می کند:

يا ربِّ بالمصطفى هب لي - وإن عظمَتْ

جرائمی - رحمةً تغني عن الحُجج

(همان، ج ۱، ص ۱۰۴)

قابل التوب:

خداوند توبه پذیر است. اگر بنده از گناهان توبه نماید و استغفار کند، خداوند او را از الطاف طيبة خود محروم نخواهد کرد. ولی هر زمانی توبه از بنده پذیرفته نمی شود. توبه کردن زمانی دارد که خداوند آنرا معین فرموده است: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا * وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا خَضَرَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ مُبْتُ الآنَ وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء: ۱۷ و ۱۸). بارودی مفهوم این آیه شریفه را چنین اقتباس کرده است:

فَاضْرَعْ إِلَى اللَّهِ وَاسْتَوْهِبْهُ مَغْفِرَةً تَمْحُو الذُّنُوبَ فَجَانِي الذَّنْبِ يَعْتَدِرُ

وَاعْجَلْ وَ لَا تَنْتَظِرْ تَوْباً غَدَاةَ غَدٍ فَلَيْسَ فِي كُلِّ حِينٍ تُقْبَلُ الْعَذْرُ

(همان، ج ۲، ص ۱۱۲)

۱۸- عادل حکیم:

خداوند عادل حکیم است. قرآن کریم در آیات متعددی خداوند را به صفت عدل توصیف و او را از انواع ظلم تنزیه کرده است. مانند این آیه شریفه: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ» (آل عمران: ۱۸). چنانکه میفرماید: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا» (انبیاء: ۴۷). در اندیشه بارودی عمل خداوند معیار و میزان عدل است. فقر و غناء در میان مردم به دست اوست، و کثرت تلاش مردم در بهره‌گیری از نعمتها بی‌تأثیر است. زیرا او صاحب نعمتهاست و بر اساس حکمت خود و مصلحت بندگان از این نعمتها به آنها می‌بخشد و عطا می‌کند:

إِنَّ الْغَنِيَّ وَالْفَقْرَ فِي هَذَا الْوَرَى لَمُقَدَّرٌ، وَاللَّهُ ذُو قِسْطٍ

(همان، ج ۲، ص ۱۳۷)

مالک، امر، ناهی، قاضی:

گاهی بارودی چند صفت خداوند را با هم آورده است. مانند بیت زیر که در آن صفات مالک الملک و امر و ناهی و قاضی یا سلطان را در استغائه به درگاه باری تعالی یک جا ذکر کرده است:

سَلِ مَالِكَ الْمُلْكِ، فَهِيَ الْأَمْرُ النَّاهِي وَ لَا تَخْفُ عَادِيًا، فَالْحَكْمُ لِلَّهِ

(همان، ج ۴، ص ۱۷۹)

او صفات فوق را از آیه شریفه: «قُلِ اللَّهُ مَالِكُ الْمُلْكِ يُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ» (آل عمران: ۲۶)، و همچنین آیه: «وَ مَا نَنْزَلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ» (مریم: ۶۴)، و نیز آیه: «وَ مَا نَهَاكُم عَنْهُ فَأَنْتَهُوا» (حشر: ۷) اقتباس کرده است.

حافظ، وکیل، کافی:

خداوند حافظ و وکیل است. و هر کس که به او پناه برد، او را می‌پذیرد و مشمول

رحمت و احسان و انعام خود می‌کند. او ضمانت کرده هرکس توکل کند در نمی‌ماند و خداوند قادر به انجام این ضمانت است. چنانکه می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» (احزاب: ۳). در آیه دیگر می‌فرماید او برای بندگان کافی است و هرکس بر او توکل کند و کار خود را به او واگذارد خدا کفایت امرش می‌کند: «قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ» (زمر: ۳۸). بارودی در استغاثه به درگاه خداوند از این آیات بهره می‌گیرد و از خداوند می‌خواهد که حاجات او را برآورده سازد:

يا مَنْ إِلَيْهِ الْوَجُوهُ خاشعَةٌ و مَنْ عَلَيْهِ فِي الْكُونِ مُعْتَمِدِي
مددتُ كفي إليك مبتهلاً و أَنْتَ حَسْبِي، فَلَا تَرُدُّ يَدِي

(همان، ج ۱، ص ۲۵۴)

و در جای دیگر وقتی که او بی‌وفائی و عدم صداقت دیگران را می‌بیند از شر آنها به خدا پناه می‌برد و تنها بر او توکل می‌کند و از او کمک می‌خواهد، و دیگران را نیز توصیه می‌کند که برای برآوردن حاجات و نیازهایشان تنها بر خداوند توکل کنند:

فَلَا تَعْتَمِدْ إِلَّا عَلَى اللَّهِ فِي الَّذِي تَوَدُّ مِنَ الْحَاجَاتِ، فَهُوَ رَحِيمٌ

(همان، ج ۳، ص ۵۱۹)

معنای این بیت کاملاً با معنای این آیه شریفه: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) مرتبط و مأخوذ از آن است.

مستغاث، مهیمن، علام:

خداوند یاور و حافظ مؤمنین است. اگر آنها به درگاه او پناه برند و از او یآوری بخواهند، او دریغ نخواهد کرد، و اصلاً دریغ به ساحت مقدس او راه ندارد و در زمانی که سختیها و مشکلات طغیان کنند و بندگان را از هر سو در میان بگیرند ارتباط و اتصال میان بندگان و خالق و معبودشان به اوج خود می‌رسد. بارودی گروهی را توصیف می‌کند که در دریا مسافرت می‌کنند و در امواج سهمگین آن گرفتار

می شوند. وحشت بر آنها سایه می افکند، و دلها از ترس بی تاب می شود، و چشمها دنبال نور نجاتی می گردد. آنها در این شرایط ناگوار تنها به خدا پناه می برند و از او مدد می خواهند: «وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرْفُ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا» (اسراء: ۶۷). او کشتی آنها را به شتری تشبیه می کند که سرنشینانش آنها را با دعاء به پیش می راند و از خداوند بزرگ یاری می خواهند، و از ناظر و حافظ موجودات مدد می جویند: «الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِنُ الْعَزِيزُ» (حشر: ۲۳)، و نیز از آنکس که به همه حالات و اسرار آگاه است: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (توبه: ۷۸). آنها بدین وسیله سختی و بلا را از خود دور می کنند و از خداوند سلامتی و نجات می خواهند:

يَسْتَغِيثُونَ، فَالْقُلُوبُ هَوَافٍ
حَذَرَ الْمَوْتِ، وَالْعَيُونَ سَوَامِي
فِي وَعَاءٍ يَحْدُوْنَهُ بِدُعَاءٍ
لِجَلَالِ الْمُهِمِنِ الْعَلَّامِ

(همان، ج ۳، ص ۳۷۸)

و در مناسبتی دیگر وقتی که او از زندگی در میان مردمانی که به اخلاق سوء دچارند و ارزش او را به خوبی درک نمی کنند و حرمتش را پاس نمی دارند، و بین گفتار و رفتار زشت تفاوت نمی گذارند، و به عهده و پیمان وفادار نیستند، از آنان آزرده می شود و از شر چنین مردمانی به خدا پناه می برد و از او یاری می خواهد تا بفضل خود گزند آنها را از او دور بدارد:

إِذَا لَمْ يُغْنِنِي اللَّهُ مِنْهُمْ بِفَضْلِهِ
فمَالِي بَيْنَ الْعَالَمِينَ مُغِيثُ

(همان، ج ۱، ص ۹۸)

بارودی در جای دیگر از غامض گوئی و انحراف اذهان از صراط مستقیم آزرده می شود و از باب نصیحت و ارشاد به ایمان به خدای واحد قهار و خضوع و خشوع در برابر جبروت او چنین می گوید:

فَدَعَ الْقَوْلَ فِي التَّفَلُّسِ، وَاخْضَعُ
لَجَلَالِ الْمُهِمَنِ الدِّيَانِ
(همان، ج ۴، ص ۱۱۳)

نتیجه:

- ۱- بارودی حسن ایمان خود را در التزام به دین اسلام، چه در اعتقاد و چه در عمل، چه در روان و چه در بیان به اثبات رسانده است.
- ۲- تعالیم قرآن کریم اولین بنای ساختار فکری و فرهنگی بارودی است.
- ۳- در دیدگاه بارودی شعر دیوان اخلاق و متضمن حکمت است.
- ۴- او اندیشه قرآنی خود را در اشکال گوناگون اقتباس و تضمین الفاظ و معانی قرآنی به خوبی به تصویر کشیده است.
- ۵- بارودی در استفاده از صفات متعدد خداوند و اسما حسنا او متناسب با حالات مورد نظر موفق بوده است.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- دیوان البارودي. حقه و صححه علي الجارم و محمد شفيق معروف. دارالمعارف. مصر. سنة ۱۹۷۵ م.
- ۳- عمر الدسوقي. نوايح الفكر العربي (محمود سامي البارودي). دارالمعارف، مصر، سنة ۱۹۳۰ م.
- ۴- شوقي ضيف. البارودي رائد الشعر الحديث. دارالمعارف. مصر، سنة ۱۹۶۴ م.
- ۵- كامل محمد محمد عويصة. محمود سامي البارودي إمام الشعراء في العصر الحديث. دارالكتب العلمية. بيروت. ۱۹۹۴ م.
- ۶- سالم معوش. الأدب العربي الحديث. دار المواسم. بيروت. ۱۹۹۹ م.

٧- محمد الكتاني. الصراع بين القديم و الجديد في الأدب العربي الحديث. الجزء الأول. دار الثقافة. مراكش. ١٩٨٢ م.

٨- جعفر السبحاني. محاضرات في الإلهيات. مكتبة التوحيد. قم. ١٤٢١ هـ. ق.

٩- أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي. مجمع البيان في تفسير القرآن. مكتبة العلمية الإسلامية. طهران. دون سنة الطبع.